

روش های تربیت در نهج البلاغه

<"xml encoding="UTF-8?">

روش تربیت فرزند

تربیت فرزند از بنیادی ترین مسائل تربیتی شمرده می شود، و سنگ زیرین تربیت های بعدی است، به همین جهت در دین مقدس اسلام، سخنان معصومین، مخصوصاً امیرمؤمنان سخت بر این امر تکیه و تأکید شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: "اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم؛ (1) فرزندان خود را گرامی دارید، و آنها را نیکو تربیت کنید."

و علی (ع) فرمود: "حق الولد علی الوالدان یحسن اسمه و یحسن ادبه و یعلمه القرآن؛ (2) حق فرزند بر پدر این است که اسم نیکو برای او انتخاب کند، و نیکو تربیتش نماید، و قرآن را به او بیاموزد." و حضرت امام سجّاد (ع) نیز در مقام تربیت فرزند و مسئولیت سنگین الهی آن از پیشگاه خدا استعانت می جوید و عرضه می دارد: "و اعنی علی تربیتهم و تأدیبهم و برّهم؛ (3) (بارالها!) مرا در تربیت و تأدیب و نیکی فرزندانم یاری نما." معلوم می شود مسئله به حدّی سنگین است که حضرت سجّاد (ع) که امام معصوم است با آن عظمتش طلب استمداد از خداوند می نماید. منتهی نکته در خور دقت این است که در اسلام برنامه تربیت فرزند از دوران قبل از ازدواج شروع می شود، یعنی از زمان انتخاب همسر هم مرد و هم زن باید برنامه ریزی داشته باشند که پدر و مادر خوب و تربیت صحیح یافته انتخاب نمایند.

انتخاب همسر

صلاحیت متقابل مرد و زن و یا همان پدر و مادر آینده سخت بر فرزند اثر دارد، زیرا اخلاق و اوصاف والدین طبق قانون "وراثت" به فرزندان منتقل می گردد. گرچه علم ژنتیک در غرب علم نو ظهوری است اما قانون وراثت به صورت کلی چهارده قرن است که در اسلام مطرح شده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: "در خانواده صالح ازدواج کنید زیرا اخلاق (و خصوصیات) روحی به ارث می رسد." (4) در جای دیگر فرمود: "تخیروا لنطفکم، فانّ النساء یلدن اشباه اخوانهن و اخواتهن؛ (5) (همسر مناسبی) برای نطفه هایتان انتخاب کنید، زیرا زنان همانند برادران و خواهران خود فرزند به دنیا می آورند." و در روایت دیگری می خوانیم: "انظر فی ایّ شیء تضع ولدک فانّ الزق اساس؛ (6) ببین نطفه خود را در چه محلی مستقر می کنی، زیرا اخلاق اجداد و پدران، به فرزندان به ارث می رسد."

به همین جهت است که علی (ع) بعد از وفات فاطمه (س) می خواست همسر اختیار کند به عقیل برادرش - که اطلاعات وسیعی از نسب قبائل عرب و تاریخ گذشته آن روز داشت - سفارش فرمود که از اقوام اصیل و شجاع عرب همسری برای من انتخاب کن که زاده شجاعان و وارث دلاوری و شهامت باشد؛ زیرا می خواهم از این ازدواج فرزند شجاع و دلیری به دنیا بیاید، عقیل پس از بررسی و جستجو "ام البنین کلابیه" را پیشنهاد کرد، چرا که در جامعه (آن روز) شجاع و دلیرتر از اجداد و پدران او نبود (7) این نشان می دهد که پدری چون امیرمؤمنان که

معصوم است و شخصیت دوم عالم هستی است، برای تربیت فرزندان سالم نیاز به همسری دارد که از خانواده پاک و عفیف و اصیل و شجاع باشد.

و در طرف مردان هم سفارش شده است، که به غیر متدین، شرابخوار، بی‌نماز دختر ندهید، چرا که بر نسل و فرزندان خویش اثر می‌گذارد. پیامبر اکرم(ص) فرمود: "هرگاه کسی نزد شما به خواستگاری آمد که دین و امانت داری او را می‌پسندید، پس (دخترتان را به او) تزویج دهید، وگرنه فتنه و فساد بزرگی ایجاد می‌شود." (8) و امام حسن مجتبی(ع) به مردی که درباره ازدواج دخترش با او مشورت نمود، فرمود: "زَوْجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ، فانه ان احبها اکرمها و ان ابغضها لم یظلمها؛ (9) به مرد باتقوای او را تزویج کن پس اگر او را دوست بدارد گرامی می‌دارد و اگر از او نفرت پیدا کرد در حق او ستم روا نمی‌دارد (زیرا تقوای او چنین اجازه نمی‌دهد) لذا هم مرد باید دارای تقوا و دامن پاک باشد و هم زن عفیفه و پاکدامن. به این جهت اسلام از کار خلاف عفت سخت نهی نموده، چرا که آینده نسل‌ها را فاسد و جامعه را به فساد می‌کشاند. به این تحقیق توجه کنید:

"در سال 1720 م در سواحل آمریکا مردی در خانواده فاسد و بی‌پندو بار (و از پدر و مادر بی‌عفت و فاسد) متولد شد) و تمام عمر خود را به رذالت و می‌خوارگی سپری کرد و از راه دزدی زندگی خود را تأمین می‌نمود، از این مرد پنج دختر باقی ماندند که همه همانند پدر به دور از تربیتی سالم (و بی‌عفت) و خانواده‌ای عاری از محبت بودند، در نسل پنجم افراد این خانواده به 1200 نفر رسیدند که طبق آمار گرفته شده، افراد آنات (و زن) این خاندان همگی اهل فحشاء بوده 240 تن از آنان به سفلیس مبتلا شدند، و 130 نفر از مردها دزدهایی جنایت پیشه و ماهر گردیدند، از این خانواده هفت نفر آدمکش حرفه‌ای و سیصد نفر دیگر همگی دارای مشاغل ممنوعه بودند، به جامعه تحویل داده شد و در طی مدت هفتاد سال 000/700/1 دلار زیان مالی توسط این خانواده به دولت آمریکا وارد شده بود." (10) اینجاست که عمق دستورات اسلام درک می‌شود که این همه درباره پاکی و تدین و حفظ نسل سفارش نموده است. و در قرآن کریم از زبان نوح می‌خوانیم: "ای خدا! کافران را از بین ببر و اگر آن‌ها بمانند، همانند خود را به دنیا می‌آورند و بندگان را گمراه می‌کنند زیرا آنان جز فرزند فاجر و کافر به دنیا نمی‌آورند." (11)

عاقبت گرگ زاده گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود

و پزشکان امراض روحی و روانی نیز ثابت کرده‌اند که 66% کودکان مبتلا به امراض روحی، بیماری را از مادران خود به ارث برده‌اند. (12)

ایام بارداری

گام دوم تربیت فرزند مربوط به ایام عمل زناشویی و ایام بارداری می‌شود، در آغاز ازدواج، اسلام دستوراتی از دعا و ذکر و نماز و طهارت و امثال آن دارد که سخت برآینده فرزند اثر می‌گذارد.

پزشکان می‌گویند: اگر هنگام تولید نطفه پدر مسموم باشد، تمام سلول‌های بدن او مسموم بوده و در نتیجه علیل خواهد بود، و از این نطفه مسموم و علیل، جنین ناقص و علیل به وجود می‌آید، این مسمومیت ممکن است در اثر غذای فاسدی، چون خوردن مشروب، کشیدن تریاک، کشیدن چرس و بنگ و غیره باشد، پس در هنگام مسمومیت، مخصوصاً مستی، بایستی از تولید مثل خودداری کرد. (13) در اسلام هم سفارش شده که از لقمه حرام پرهیز شود، و همین طور از مجامعت بعد از احتلام بدون غسل، مجامعت در ایام حیض و عادت

ماهانه، حرف زدن در حال مجامعت، تصور و فکر شیطانی داشتن و... نهی شده است. (14)

و همین طور بر کنترل اوصاف و اخلاق و رفتار مادر در ایام بارداری سخت سفارش و توصیه شده است، چرا که آینده تربیت صحیح یا ناصحیح فرزند از همین دوران ورق می خورد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: "الشقی شقی فی بطن امّه و السعید من سعد فی بطن امّه؛ (15) انسان بد و شقی در شکم مادر، بد و شقی می گردد و انسان صالح و سعید در شکم مادر رستگار و صالح می گردند." یعنی با توجه به رفتار آینده جنین و با توجه به اخلاق و رفتار پدر و مادر که به او منتقل می شود از همان دوران جنین بودن و قرار داشتن در "رحم مادر" آینده او مشخص می گردد. و حتی تغذیه مادر بر تربیت روحی و اخلاقی او مؤثر است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: "به زنان باردار، به بخورانیذ زیرا این میوه مایه زیبایی کودک و حسن خوی او خواهد بود." (16) و در روایت دیگر می خوانیم: "اطعموا نساءکم الحوایل اللبان فانه یزید فی عقل الصبی؛ (17) به همسران باردار خود کندر بدهید، زیرا کندر در افزایش خرد بچه مؤثر است" از زبان مادر سید محمد حسین طباطبائی حافظ کلّ قرآن، دکتر هفت ساله (که اکنون بیش از سیزده سال دارد) نقل شده است که راز آن همه استعداد و نورانیت او این بوده که من در دورانی که به او باردار بودم از گفتن و شنیدن غیبت پرهیز می کردم و مرتب قرآن می خواندم.

این که در حدیث آمده: "الجنة تحت اقدام الامّهات؛ (18) بهشت زیر پای مادران است." معانی برای این حدیث بیان شده از جمله می توان گفت: شاید مراد این باشد که بهشت رفتن فرزند بستگی به اوصاف و خصوصیات و پاکی و تربیت مادر دارد، یعنی این مادر است که فرزند را بهشتی می کند، همان تعبیری که در عرف می گویند این عمل زیر سر فلانی است، یعنی بهشت رفتن هم زیر سر تربیت مادر است.

دوران کودکی

دوران کودکی آغاز دوران تربیت مستقیم والدین است نسبت به فرزند، چرا که در دوره های قبلی اوصاف و اخلاق اصالت و پاکی و یا اوصاف مقابل آنها عهده دار تربیت بودند، و مستقیماً والدین دخالت نداشتند اما در دوران کودکی تربیت مستقیم و مسئولیت اصلی و جدید آن ها شروع می شود، در این دوره، مخصوصاً تا دوران سه سالگی مربی اصلی مادر است، هر چند برخی دستورات مستحبی مثل نام گذاری نیکو، عقیقه، خواندن اذان و اقامه در گوش راست و چپ متوجه پدر است، (19) اما سرسلسله جنبان تربیت فرزند مادر است چرا که او با شیر دادن مخصوصاً اگر با طهارت باشد، و عطوفت و مهربانی، و تلقین برخی کلمات، از همه مهمتر با رفتارهای عبادی و اخلاقی خویش شاکله درونی و اخلاقی او را مهندسی می کند، به این جهت مادر توجه کند که خیلی از مطالب را می تواند به فرزندش در این دوران تلقین نماید، شاهد این ادعا اشعاری است که فاطمه زهرا (س) به هنگام بازی دادن حسنش می خواند، و به این طریق به تربیت روحی و پرورش جسمی او می پرداخت.

"اشبه اباک یا حسن و اخلع عن الحقّ الرّسن"

"حسن جان! مانند پدرت علی (ع) باش و ریسمان را از گردن حق بردار"

"واعبد الهأ ذا المنن ولاتوال ذا الاحن"

"خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه توز دوستی مکن."

و آن گاه که حسین (ع) را بر روی دست نوازش می کرد می فرمود:

"انت شبیه بابی لست شبیهاً بعلي"

"تو (حسین جان) به پدرم رسول خدا (ص) شباهت داری و به پدرت علی (ع) شبیه نیستی" (20) و همین طور در

روایات سخت سفارش شده که عمل زناشوئی در اطّاقی که حتی بچه شیرخوار بیدار است انجام نگیرد، و اگر نه اثرات زیانباری بر روحیه او خواهد گذاشت این نشان می‌دهد که کودکان شیرخوار از حسّ و درک‌هایی برخوردارند و گفتار و رفتار اطرافیان کاملاً بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

نکته دیگر این است که اگر مادر به هر علّتی نمی‌تواند بچه را شیر دهد، و یا نیست، باید در انتخاب دایه و کسی که به او شیر می‌دهد سخت دقت شود، امیرمؤمنان در این زمینه چنین سفارش می‌کند: "انظروا من ترضع اولادکم فانّ الولد یشبّ علیه؛(21) دقت کنید چه کسی فرزندان شما را شیر می‌دهد، چرا که فرزند بر اساس همان شیر و اوصاف صاحب او رشد می‌کند." و در حدیث دیگر فرمود: "ما من لبن یرضع به الصبّی اعظم برکة علیه من لبن امّه؛(22) هیچ شیر با برکتی از شیر مادر برای کودک وجود ندارد." و در این دوران پدر و مادر به شدّت از تنبیه بدنی طفل پرهیز نمایند، چنان که پیامبر اکرم(ص) فرمود: "اطفال را بخاطر گریه نمودن نزنید، زیرا گریه آنها تا چهارماه شهادت بر یگانگی خداوند است، و در چهار ماه دوّم صلوات بر نبی و آل نبی است، و در چهار ماه سوم دعا برای والدین است."

مسئولیت مشترکی که در این دوره متوجه والدین است جهت سلامت روحی و روانی فرزند اوّلّاً، اظهار محبت به فرزندان و بوسیدن آنان است پیامبر اکرم(ص) فرمود: "احبّوا الصبیان و ارحموهم؛(23) کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنها مهربان باشید." و امام صادق(ع) فرمود: "خداوند بنده را مورد لطف قرار می‌دهد، بخاطر شدّت محبتی که به فرزندش دارد."(24) و درباره بوسیدن و خوشحال نمودن فرزند فرمود: "کسی که فرزندش را به بوسد خداوند به او حسنه می‌دهد، و کسی که او را خوشحال کند، خداوند در روز قیامت خوشحالش می‌کند."(25) و ثانیاً تبعیض قائل نشدن بین آنان است، مثلاً پسران را بهتر از دختران ندانند، امام صادق(ع) فرمود: "پسرها نعمتند و دختران حسنه، خداوند از نعمت می‌پرسد، ولی در مقابل حسنات پاداش می‌دهد."(26) و همین طور بین پسران و یا خود دختران تبعیض قائل نشوند، و اگر هم برخی دارای لیاقت‌هایی است که نیاز به تشویق و احترام بیشتری دارد، به گونه‌ای باشد که ایجاد حساسیت و حسادت نکند.

رسول اکرم(ص) درباره مسابقه خطّاطی به حسن و حسین(ع) سفارش فرمود: هر کس خط او زیباتر است قدرت او نیز بیشتر است، حسنین(ع) هر کدام خط زیبایی نوشتند، ولی رسول خدا بین آن دو بزرگوار قضاوت نکرد، و آن دو را به مادرشان راهنمائی فرمود، تا نگرانی قضاوت با عاطفه مادری جبران شود.

حضرت زهرا(س) دید که هر دو خط زیباست و هر دو در این مسابقه هنری شرکت نموده‌اند، چه باید کرد؟ و من چگونه میان دو کودک داور کنم؟ با ژرف نگری و رعایت مسائل دقیق تربیتی، قضاوت نهایی را به تلاش خودشان ارتباط داد و فرمود: "ای نور دیدگانم! من دانه‌های این گردنبند را با پاره کردن رشته آن بر سر شما می‌ریزم و میان شما دانه‌های گردنبند را پخش می‌نمایم هر کدام از شما دانه‌های بیشتری بگیرد خط او بهتر و قدرت او بیشتر است."(27)

دوران هفت سالگی یا آغاز تعلیم همراه تربیت

تا دوران هفت سالگی نقش اصلی را مادر ایفا می‌کند هر چند برخی مسئولیت‌ها در تربیت‌ها متوجّه پدر است، ولی از هفت سالگی به بعد مسئولیت اصلی تربیتی پدر شروع می‌شود، در این باره تعبیرات مختلفی درباره آغاز مسئولیت پدر آمده است:

پیامبر اکرم(ص) فرمود: "فرزند هفت سال آقا و سلطان است (هر چه می‌گوید باید انجام دهید) هفت سال

خادم است(هرچه پدر بگوید بپذیرد) و هفت سال وزیر و مشاور"(28) و امام صادق(ع) فرمود: "فرزندت را رها کن هفت سال بازی کند، و هفت سال ادبش کن، و هفت سال هم همراه و ملازمت باشد، اگر رستگار شد (که خوب) و اگر نه خیري در او نیست"(29) و در روایت دیگری آن حضرت فرمود: "الغلام يلعب سبع سنين و يتعلّم الكتاب سبع سنين و يتعلّم الحلال و الحرام سبع سنين؛(30) فرزند هفت سال بازی می‌کند(و دوران بازی اوست) و هفت سال قرآن (و امثال آن را) فرا می‌گیرد، و هفت سال (سوم) باید حلال و حرام را فرا گیرد." سه روایت بر این نکته اتفاق نظر دارد که هفت سال دوم آغاز دوران مسئولیت اصلی پدر نسبت به تربیت فرزند است که باید چند مسئله را جهت تربیت فرزند سرلوحه خود قرار دهد.

1- تعلیم قرآن و دانش امام علي(ع) می‌فرماید: "مروا اولادکم بطلب العلم؛(31) فرزندان را به فراگیری دانش (و قرآن) فرمان دهید." و در حدیث پیش گفته خواندیم که "و يتعلّم الكتاب سبع سنين؛ در هفت سال دوم، به فرزند خود قرآن تعلیم دهید."

2- تقویت عاطفی، با تلقین محبت محمد(ص) و آل او در کنار فراگیری دانش و تعلیم قرآن، برای تقویت عاطفه انسانی و هدایتی محبت پیامبر اکرم(ص) و آل او، به کودکان تلقین و تعلیم شود، این نکته بسیار اهمیت دارد که متأسفانه در کتابهای ابتدائی سالهای اخیر مقداری کم رنگ شده است. پیامبر اکرم(ص) فرمود: "ادّبوا اولادکم علي ثلاث خصال: حبّ نبیکم و حبّ اهل بیته و قراءة القرآن؛(32) فرزندان خودتان را بر سه خصلت تربیت کنید، دوست داشتن پیغمبرتان، و دوست داشتن اهل بیت او(ع) و خواندن قرآن."

3- تعلیم امور فنی نظامی و دانش روز علاوه بر تعلیم قرآن و دانش‌های مرسوم، پدر مسئولیت دارد فرزند را با دانش‌های روز، مثلاً امروزه تعلیم رایانه، رانندگی، و...، امور فنی و همین طور تعلیمات نظامی آشنا نماید، پیامبر اکرم(ص) فرمود: "علّموا اولادکم السّباحة و الرّماية؛(33) به فرزندان شما و تیراندازی یاد دهید."

4- جدا سازی در دوران هفت سال دوم به فرزندان تعلیم داده شود که بدون اجازه وارد اتاق والدین نشوند، لذا قرآن کریم می‌فرماید: فرزندان خانواده‌ها در اوقات استراحت و خواب و خلوت والدین، بدون اجازه، وارد اتاق آنان نشوند، و بدون لباس مناسب آنان را نبینند."(34) و محل استراحت و رختخواب فرزندان تفکیک شود، رسول اکرم(ص) فرمود: "رختخواب فرزندان خویش را پس از هفت سالگی آنان، از همدیگر جدا کنید!! و آنان را در یک بستر خوابانید."(35)

5 - وفا به وعده‌ها نکته دیگری که والدین مخصوصاً پدر در تربیت فرزندان توجه داشته باشند این است که از دروغ گفتن، تخلف وعده و هرآنچه گناه شمرده می‌شود و بدآموزی دارد باید پرهیز شود، پیامبر اکرم(ص) فرمود: "فرزندان خود را دوست بدارید و هرگاه به آنان وعده دادید، به قول خود عمل کنید (تا دروغ و تخلف را از شما فرا نگیرند)." (36)

6- تعلیم عبادات در دوران هفت سالگی دوم، مسائل عبادی از جمله نماز و مسائل وضو و طهارت و نجاست را به

آنها یاد دهد، علي(ع) در این زمینه می‌فرماید : "عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ؛(37) به کودکان خود نماز را تعلیم دهید."

نوجوانی یا حساسترین دوران تربیت

آغاز هفت سال سوم و یا شروع نوجوانی از حساسترین و مهمترین و پیچیده‌ترین دوران تربیت فرزند شمرده می‌شود، چرا که از طرفی آغاز رشد عقلانی انسان است، در کنار شروع بلوغ جسمانی که تحولات زیادی را در اندام و همین طور اخلاق و رفتار نوجوان در پی دارد، از طرف دوم با فراگیری علوم ابتدایی و مقداری از راهنمایی وارد فضای جدیدی از دانش و علم شده است و در مدرسه و جامعه بیشتر مطرح شده است و دوستان مناسب و یا نایاب بیشتری را به خود جذب نموده و دیگر از حالت خادم بودن و تابع محض بودن پدر خارج شده است، همه این‌ها اگر در کنار آغاز غرور نوجوانی و جوانی قرار داده شود ظرافت و حساسیت مسئله چند برابر می‌شود. اینجاست که باید گفت علاوه بر استفاده از تجربه‌های تربیتی، بشر سخت نیازمند است که از رهنمودهای معصومی چون امیرمؤمنان علي(ع) باید بهره گیرد چرا که او علاوه بر دانش الهی و مدنی و شناخت دقیق انسان، از مهربانی و دلسوزی خاصی نسبت به آینده امت اسلامی و فرزندان آنها برخوردار است، بهمین دلیل علي(ع) تنها پدر حسنین (ع) و زینب(س) و... نیست بلکه پدر امت اسلامی بحساب می‌آید، چنان که فاطمه زهرا(س) فرمود : "ابو هذه الأمة محمدٌ و عليٌّ يقيمَانِ اِدهِم و ينقِذَانِهِم مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ انِ اطَاعُوهُمَا و يبيحَانِهِم التَّعْيِمِ الدَّائِمِ انِ وَاَفَقُوهُمَا؛(38) محمد(ص) و علي(ع) دو پدر امت اسلام می‌باشند. کجی‌ها را راست و انحرافات را اصلاح می‌نمایند، اگر مردم ایشان را اطاعت کنند آنها را از عذاب جاویدان نجات می‌دهند و اگر مردم با ایشان موافق و همراه باشند این دو، نعمتهای پایدار خداوند را ارزانی‌شان دارند." لذا در تربیت فرزندان نیز از او باید اطاعت کرد و ره توشه‌هایی گرفت (هرچند هرگز به او در تربیت فرزندان نخواهیم رسید).

نامه به امام حسن

علي(ع) نامه‌ای دارد به فرزندش امام حسن مجتبی(ع) که در واقع باید گفت تعلیمی است برای جامعه اسلامی که چگونه با جوانان خویش رفتار نمایند و در تربیت آن‌ها از چه اهرمهایی استفاده نکنند. نامه حضرت چنین آغاز می‌شود :

"از پدر فانی، اعتراف دارنده به گذشت زمان، مسکن گزیده در جایگاه گذشتگان، و کوچ کننده فردا به فرزندی آرزومند چیزی که بدست نمی‌آید... و تو را دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان منی، آن گونه که اگر آسیبی به تو رسید به من رسیده است، و اگر مرگ به سراغ تو آید زندگی مرا گرفته است، پس کار تو را کار خود شمردم، و نامه‌ای بر تو نوشتم، تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد، حال من زنده باشم یا نباشم... (39)" آن گاه نکاتی را تذکر می‌دهد به این شرح :

1- پدر قبل از دیگران دل جوانش را فتح کند در این دوران جوان سخت حساس است هواهای نفسانی و دزدان دل و عاطفه زودتر از پدر دل او را به دست آورد و او را برای خویش تربیت کند، لذا پدر و یا معلمان و هادیان قبل از همه باید این سنگر مهم را فتح نماید، علي(ع) به همین مطلب بعد از مقدمه و نکاتی اشاره دارد می‌فرماید : "اي بني اَيَّ لَمَّا رَاَيْتَنِي قَدْ بَلَغْتَ سِنًا و رَاَيْتَنِي اَزْدَاد و هِنَا، بَادِرْتَ بِوَصِيَّتِي الْيَك و اُورِدْتَ خَصَالًا مِنْهَا قَبْلَ انْ يَعْجَلَ بِي اَجَلِي...؛ پسر من! هنگامی که دیدم سالیانی از من گذشت، و توانایی رو به کاهش

رفت به نوشتن سفارش برای تو شتاب کردم، و ارزش‌های اخلاقی را برای تو برشمردم پیش از آن که اجل فرا رسد... و پیش از آن که خواهش‌ها و دگرگونی‌های دنیا به تو هجوم آورند و پذیرش و اطاعت مشکل گردد: "و اِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا الْقِي فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتَهُ فَبَادَرْتُكَ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ لَبَّكَ...؛ زیرا قلب (نوجوان) و جوان چونان زمین نکاشته است هرچه در آن پاشیده شود می‌پذیرد، پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود، و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد...؛ و رأيت حيث عناني من امرک ما يعني الوالد الشَّفِيق، و اجمعت عليه من ادبک ان يكون ذلک و انت مقبل العمر و مفتبل الدَّهر ذونیه سلیمه، و نفس صافیة؛(40) و آن گونه که پدری مهربان نیکی‌ها را برای فرزندش می‌پسندد، من نیز بر آن شدم تو را با خوبی‌ها تربیت کنم، زیرا در آغاز زندگی قرار داری، تازه به روزگار روی آورده‌ای، نیتی سالم و روحی با صفا داری.

2- بیان احکام حلال و حرام قبلاً اشاره شد از مهمترین وظائف پدر در دوران هفت سالگی دوم تعلیم قرآن بود، و اما در دوره هفت سال سوم و دوران نوجوان و جوانی فراگیری قرآن با تفسیر آن و احکام حلال و حرام آن است. امام صادق(ع) فرمود: "به فرزندان خود آموزش مذهبی بدهید، و پیش از آن که منحرفین آنان را به انحراف عقیدتی بکشانند، به داد آن‌ها برسید."(41) و علي(ع) خطاب به حسنش (ع) فرمود: "و ان ابتدئک بتعليم کتاب اللّٰه عزّو جلّ و تأويله، و شرائع الاسلام و احکامه و حلاله و حرامه...؛ پس در آغاز تربیت تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات، به تو بیاموزم، و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام، به تو تعلیم دهم به چیز دیگر نپردازم" در بخش دیگر فرمود: پسر! بدان آنچه بیشتر از به کارگیری وصیتم دوست دارم "تقوي اللّٰه، و الاقتصار علي ما فرضه اللّٰه؛ ترس از خدا، و انجام واجبات... است."(42)

3- الگو دهی از امور مهم در تربیت جوانان الگودهی سالم است، در تربیت حرف نفی الگوی ناسالم کافی نیست بلکه الگوهای سالم نیز باید معرفی شوند، علي(ع) در این باره می‌فرماید: "والاخذ بما مضي عليه الاولون من آباءک، و الصّالحون من اهل بیتک، فانّهم لم يدعوا ان نظروا...؛ و پیمودن راهی است که پدران و صالحان خاندانت پیموده‌اند، زیرا آنان آنگونه که تو در امور خویشتن نظر می‌کنی در امور خویشتن نظر داشتند و همانگونه که تو درباره خویشتن می‌اندیشی، نسبت به خودشان می‌اندیشند و تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند انتخاب کنند، و بر آنچه تکلیف ندارند روی گردانند، و اگر نفس تو از پذیرفتن سرباز زند و خواهد چنانکه آنان دانستند بدانند، پس تلاش کن تا در خواسته‌هایت از روی درک و آگاهی باشد... و قبل از پیمودن راه پاکان از خداوند استعانت بجوی..."(43)

4 - تحکیم اعتقادات از مسائل مهم دیگری که باید پدر و مربیان در تربیت فرزند به آن توجه کنند تعلیم و تحکیم اعتقادات است، تقویت اعتقادات هم انسان را رشد و نمو می‌دهد، و هم سدّی است محکم در مقابل شبهات بیگانگان و نگهدارنده انحرافات و انجام گناه، در این بین اعتقاد به توحید و معاد نقش مهم و تعیین کننده دارد، لذا علي(ع) می‌فرماید: "فتفهّم يا بنيّ وصيتي، و اعلم انّ مالک الموت هو مالک الحیاة و انّ الخالق هو الممیت و ان المفني هو المعيد...فاعتصم باللّٰذی خلّک و رزقک و سوّاک ولیکن له تعبدک و الیه رغبتک و منه شفقتک؛

پسرم! در وصیت من درست بیندیش، بدان که در اختیار دارنده مرگ همان است که زندگی در دست او، و پدید آورنده موجودات است، همو می‌میراند و نابود کننده همان است که دوباره زنده می‌کند، سپس به قدرتی پناه بر که تو را آفریده، روزی داده، و اعتدال در اندام تو آورده است، بندگی تو برای او باشد، و تنها اشتیاق او را داشته باش و تنها از او بترس."

و درباره توحید و یگانگی خداوند فرمود: "یا بنیّ الله لوکان لرّبک شریک لاتتک رسله ولرأیت آثار ملکه و سلطانه و معرفت افعاله وصافته، ولکنّ الله واحدٌ کما وصف نفسه، لایضادّه فی ملکه احدٌ ولا یزول ابداً و لم یزل؛(44) پسرم! اگر خدا شریکی داشت، پیامبران او نیز به سویی تو می‌آمدند، و آثار قدرتش را می‌دید و کردار و صفاتش را می‌شناختی، اما خدا، خدایی است یگانه، همانگونه که خود توصیف کرد، هیچ کس در مملکت داری او نزاعی ندارد، نابود شدنی نیست و همواره بوده است." دلیل فوق ساده‌ترین و روشن‌ترین دلیل برای اثبات وحدانیّت خداوند است که نوجوان و جوان به سادگی آن را می‌فهمد.

5 - تشویق به عمل و بندگی لازمه خدانشناسی و قیامت باوری این است که انسان مطیع خدا و مشتاق بندگی او باشد و این امر باید از نوجوانی و جوانی آغاز شود و انسان بر آن تربیت یابد. علی(ع) در این باره می‌فرماید: "فاذا عرفت ذلک فافعل کما ینبغی لمثلک ان یفعله فی صغر خطرہ و قلّة مقدرته...؛ حال که این حقیقت را دریافتی (و خدا و قیامت را شناختی) در عمل بکوش، آن چنان که همانند تو سزاوار است بکوشد که منزلت آن اندک و توانایی‌اش ضعیف، و ناتوانی‌اش بسیار، و اطاعت خدا را مشتاق، و از عذابش ترسان، و از خشم او گریزان است زیرا خدا را جز به نیکوکاری فرمان نداده و جز از زشتی‌ها نهی نفرموده است."

6- ساده بیان کردن مسائل در تربیت جوان تلاش شود مسائل پیچیده و دور از حس با بیان مثال‌های ساده و روشن به آنها منتقل شود و کاملاً به آنها تفهیم شود، علی(ع) به همین مسأله اشاره دارد در ادامه نامه، که می‌فرماید: "یا بنیّ ائی قد أنبأتک عن الدّنیّا و حالها، و زوالها و انتقالها، و أنبأتک عن الآخرة و ما اعدّ لاهلها فیها و ضربت لک فیهما الامثال...؛ ای پسرم! من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم، و از آخرت و آنچه برای انسانها در آنجا فراهم است اطلاع دادم، و برای هر دو مثال‌ها زدم، تا پند پذیری، و راه و رسم زندگی بیاموزی، همانا داستان آن کس که دنیا را آموزد، چونان مسافرانی است که در سرمنزلی بی آب و علف و دشوار اقامت دارند و قصد کوچ کردن به سرزمینی را دارند که در آنجا آسایش و رفاه فراهم است پس مشکلات راه را تحمل می‌کنند، و جدایی دوستان را می‌پذیرند، و سختی سفر، و ناگواری غذا را با جان و دل قبول می‌کنند، تا به جایگاه وسیع، و منزلگاه آمن و با آرامش قدم بگذارند، و از تمام سختی‌های طول سفر احساس ناراحتی ندارند و هزینه‌های مصرف شده را غرامت نمی‌شمارند، و هیچ چیز برای آنان دوست داشتنی نیست جز آن که به منزل امن، و محل آرامش برسند. و اما داستان دنیا پرستان همانند گروهی است که از جایگاهی پر از نعمت می‌خواهند به سرزمین خشک و بی آب و علف کوچ کنند، پس در نظر آنان چیزی ناراحت کننده‌تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می‌شوند، و ناراحتی را باید تحمل کنند."(45)

7 - تعلیم مکارم اخلاق پدر فقط مسئول تأمین نفقه فرزند که مربوط به خلق و جسم او می‌شود نیست بلکه در

قبال خلق و اخلاق و تربیت صحیح باطن نیز مسئولیت دارد.

از دیدگاه امیرمؤمنان این مسئولیت در قبال کل خانواده مطرح است نه فقط فرزندان لذا به کمیل بن زیاد نخعی چنین توصیه فرمود: "یا کمیل مر اهلک ان یروحوا فی کسب المکارم و یدلجوا فی حاجة من هو نائم فوالذی وسع سمعه الاصوات، ما من احدٍ اودع قلباً سروراً الا و خلق الله له من ذلک السرور لطفاً...؛(46) ای کمیل! خانواده‌ات را فرمان ده که روزها در به دست آوردن بزرگواری و مکارم اخلاق، و شب‌ها در رفع نیاز خفتگان بکوشند، سوگند به خدایی که تمام صداها را می‌شنود، هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد که به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزدايد چنان که شتر غریبه را از چراگه دور سازند،(47) اما فرزند خویش را به این اوصاف کریمه دعوت و سفارش نموده تا بخوبی آن اوصاف را دارا شده و بر آن تربیت یابد :

الف : انصاف و دیگران را چون خود پنداشتن "یا بنی اجعل نفسک میزناً فیما بینک و بین غیرک فاحبب لغيرک ما تحبّ لنفسک، و اگره له ماتکره لها، و لا تظلم کما لا تحبّ ان تظلم و احسن کما تحبّ ان یحسن الیک...؛ای پسر! نفس خود را میزان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست می‌داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران می‌پسند. ستم روا مدار آنگونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکو کار باش آنگونه که دوست داری به تو نیکی کنند و آنچه را برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار، و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی."

میزان قرار دادن خود و این که انسان آنچه برای خود ناروا می‌داند برای دیگران نیز ناروا بدانند، و آنچه برای خویش می‌پسندد برای دیگران بی‌پسندد، از صفات مهم اخلاقی است که جلو خیلی از گناهان را گرفته و عامل زنده شدن برخی اوصاف دیگر نیز می‌شود، اگر این صفت در فردی باشد از دیگران غیبت نمی‌کند، به دیگران تهمت نمی‌زند، آبروی دیگران را نمی‌برد، دیگران را تحقیر نمی‌کند، مردم آزاری نمی‌کند و... چرا که هیچ یک از آن‌ها را برای خود دوست نمی‌دارد، و اوصافی چون عدالت ورزی، احسان، خدمتگذاری، انفاق، و...نسبت به دیگران در او زنده می‌شود چون دوست می‌دارد این اوصاف در رابطه با او اعمال شود.

ب : هر حرفی نگفتن این پدر است که به فرزندان چگونه حرف زدن و درست حرف زدن و با اندیشه سخن گفتن را باید بیاموزد به همین جهت امیر بیان فرمود: "و لا تقل مالا تعلم و ان قل ما تعلم و لاتقل مالا تحبّ ان یقال لک؛ (پسر) آنچه را نمی‌دانی نگو(و در امری که تخصص نداری اظهار نظر نکن) گرچه آنچه را می‌دانی اندک است، آنچه را دوست نداری به تو نسبت دهند، درباره دیگران مگو."

ج : دوری از خود بزرگ بینی و حرص از آفت بزرگی که دامن انسان را می‌گیرد، عجب و غرور و تکبر و خود بزرگ بینی است، که این‌ها از نوجوانی و جوانی باید جلوگیری شده و آنچه به وجود آمده از بین برود به‌همین جهت علی(ع) فرمود: "و اعلم انّ الاعجاب ضدّ الصّواب و آفة الالباب فاسع فی کدحک ولاتکن خازناً لغيرک، و اذا انت هدیت لقصدک فکن اخشع ماتکون لربّک؛(48) (پسر) بدان که خود بزرگ بینی و غرور، مخالف راستی، و آفت عقل است، نهایت کوشش را در زندگی داشته باش، و در فکر ذخیره سازی برای دیگران مباش، آنگاه که به راه راست هدایت شدي، در برابر پروردگارت از هر فروتنی خاضع‌تر باش."

د : حفظ کرامت انساني از مسائلي که سخت تربيت‌ها را تخریب مي‌کند و خطر ساز است براي جوان از دست دادن شخصيت و کرامت انساني است، اگر در انساني اين حالت پيدا شود که احساس شخصيت نکند و کرامت خود را از دست رفته بداند به هر کار خطرناکي دست خواهد زد، علي(ع) به خوبي به اين مسئله توجّه دارد لذا در تربيت فرزندش سخت به آن سفارش نموده است و فرموده است : " و اکرم نفسک عن کلّ دنيّة و ان ساقطک الي الرّغائب، فانّک لن تعتاض بما تبذل من نفسک عوضاً؛(49) نفس خود را از هرگونه پستي بازدار، هرچند تو را به اهدافت رساند، زیرا نمي‌تواني به اندازه آبرويي که از دست (و سرمايه عمري که مصرف نموده‌اي) مي‌دهي بهايي به دست آوري."

ه : حفظ حرّيت انساني حفظ کرامت انساني بدون حرّيت و آزاد بودن از بندگي غير خدا میسر نیست یک پدر دلسوز، و یک مربي همه جانبه نگر در جهت حفظ کرامت انساني حرّيت و آزاد منشي و آزادگي را در روحيه تربيت شده خویش تقويت مي‌کند، به اين جهت علي(ع) مي‌فرمايد : " و لاتکن عبد غيرک و قد جعلک الله حراً؛برده ديگري مباش که خدا تو را آزاد آفريد."

پي نوشت ها :

1. محمدي ري شهري، منتخب ميزان الحکمه، سيد حميد حسيني، قم، دارالحديث، دوم، 1382 ص 553 ح 6772 و درک متقدي هندي، کنزالعمال، حديث. 45409
2. منتخب ميزان الحکمه، همان ص 553 و نهج البلاغه، ترجمه دشتي ص 724 حکمت. 399
3. صحيفه سجّاديه، فيض الاسلام، ص. 170
4. بحارالانوار، محمد باقر مجلسي، دارالکتب الاسلاميه، ج16، ص 223 روايت 103 .
5. همان، 22 و منتخب ميزان الحکمه، همان ص 234 روايت 2793 و 2794
6. ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آيت الله مرعشي، 1404 ق، ج 12، ص. 116
7. شيخ عباس قمي منتهي الآمال، کتابفروشي اسلاميه، ص136، و تنقيح المقال، ج 2، ص. 128
8. فساد سلاح تهاجم فرهنگي، سيد محمود مدني بجستاني، قم، جامعه مدرسين، ص. 126
9. سوره نوح، آيه 26 - 27.
10. بحارالانوار، همان، ج 103، ص 372 و منتخب ميزان الحکمه، ص 234 روايت. 2788
11. همان، ص 234 روايت 2789 و مکارم الاخلاق، ج 1، ص 446، روايت. 1534
12. روزنامه اطلاعات، شماره 10355 و محمد دشتي، مسئوليت تربيت، قم نشر امام علي(ع)، 1368 هـ.ش، ص.89
13. دکتر غياث الدين جزايري، اعجاز خوراكي‌ها، تهران، انتشارات کتابهاي پرستو، 1345 ش، ص. 214
14. د - ک محمد باقر مجلسي، حلية المتقين، تهران، کتابفروشي، چاپ افست، ص 69 فصل 3- 5.
15. صدوق، التوحيد، قم مؤسسه النشر الاسلامي، باب 58، ص. 356
16. بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، ح 63، ص. 176
17. شيخ عباس قمي، سفينة البحار، دارالاسوة، دوم، 1416 ق، ج 7، ص. 570

18. منتخب میزان الحکمه، همان، ص 552، و کنزالعمال، حدیث. 45439
19. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، تهران مکتبه اسلامیه، ج 2، ص 620
20. فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س)، محمد دشتی، قم، انتشارات مشهور، اوّل 1380، ص 135 - 136
21. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، تهران دارالکتب الاسلامیه، ج 6، ص 44
22. همان.
23. صدوق، علل الشرایع، قم، دارالعلم، ج 1، ص 76، التوحید، ص 331 و حر عاملی، اثبات الوصیّه، ج 1، ص 49.
24. کافی، همان، ج 6، ص 49
25. همان، ص 50
26. همان، ص 49 و وسائل الشیعه، همان، ج 15، ص 194
27. کافی، همان، ص 70
28. بحارالانوار، ج 45، ص 190 حدیث 36 و ج 43، ص 309، و احقاق الحق، ج 1، ص 654، فرهنگ سخنان فاطمه، ص 53
29. منتخب میزان الحکمه، ص 553 و کنزالعمال، روایت. 45338
30. وسائل الشیعه، همان، ج 15، ص 194
31. همان، ج 15، ص 194، و کافی، ج 6، ص 46
32. منتخب میزان الحکمه، ص 553 و کنزالعمال، 45953
33. همان، حدیث 45410 و منتخب میزان الحکمه، ص 553 روایت. 6773
34. همان، ص 553 و وسائل الشیعه، ج 12، ص 247 روایت. 13
35. سوره نور، آیه 58
36. سفینه البحار، ج 2، ص 686
37. فروع کافی، همان، ج 6، ص 49، حدیث. 3
38. منتخب میزان الحکمه، ص 553، و غررالحکم، ج 6305
39. بحار، ج 23، ص 259، تفسیر امام حسن عسکری، ص 330، و فرهنگ سخنان فاطمه، همان، ص 22
40. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه 31، ص 518
41. همان، ص 522
42. روضة المتقین، ج 6، ص 651
43. نهج البلاغه، ص 522
44. همان، ص 523 - 524
45. همان، ص 521
46. همان، ص 526
47. همان، ص 682، حکمت. 257
48. همان، ص 526
49. همان، ص 532

***** برگرفته از مجله پاسدار اسلام : مهر 1384، شماره 286